Religion and Health

CONTENT ANALYSIS ARTICLE

2019, Vol: 7, No: 2, Pages: 33-44.

The Comparison of Fundamental Concepts of Mental Health from Adler's Point of View with Traits of Virtue Individuals in Nahj-Ol-Balagheh

Abolqasem Yaghoubi[1], Akbar Orvti Movafagh[2], Ahmad Bayat[3*]

1- Professor, Department of Psychology, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University
2- Assistant Professor of Islamic Studies, Faculty of Literature and Human Sciences, Bu-Ali Sina University
3- Department of Psychology, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Iran

***Corresponding Author:**
Ahmad Bayat
Department of Psychology, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Iran

Email:
bayata61@yahoo.com

Received: 03 Nov 2018
Revised: 07 Dec 2019
Accepted: 11 Dec 2019

Abstract

Anthropology is one of the branches of human sciences that recently has been under attention of the psychologists. The purpose of this paper was to compare the fundamental concepts of mental health from Adler's point of view with traits of virtue individuals in Nahj-Ol-Balagheh. The method of gathering information was library and the research method was descriptive of the analytical type. The traits of virtue individuals mentioned in the faithful sermon, such as hope, moderation, forgiveness, and humility, are closely related to fundamental concepts of mental health from Adler's point of view (social interest, life-style, and finalism). Virtue is closely related to psychological concepts such as inhibition, education, and self-control; Most important psychological variables and concepts that playing the crucial role in the mental health of an individual. The findings of this study showed that what is mentioned in Nahj-Ol-Balagheh as traits of the virtue individuals is related to the concept of mental health from Adler's point of view and many of these traits are comparable with the concepts mentioned in Adler's approach (such as awareness of your behavior and speech with self-awareness). This relationship is due to how one perceives oneself, others, and the world; how he interacts to them; and the considerations that he considers in his behavior. It is concluded that the more a person possesses the traits of the virtue individuals, the more he / she will possess mental health.

Keywords: Adler, Mental health, Nahj-Ol-Balagheh, Virtue

► **Citation:** Yaghoubi A, Orvti Movafagh A, Bayat A. The Comparison of Fundamental Concepts of Mental Health from Adler's Point of View with Traits of Virtue Individuals in Nahj-Ol-Balagheh. Religion and Health, Autumn & Winter 2019; 7(2): 33-44 (Persian).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-12]

دین و سلامت
مقاله پژوهشی تحلیل محتوا
دوره ۷، شماره ۲، سال ۱۳۹۸ صفحه: ۴۴-۳۳.

مقایسه مفاهیم بنیادین سلامت روان از دیدگاه آدلر با صفات متقین در نهج‌البلاغه

ابوالقاسم یعقوبی[۱]، اکبر عروتی موفق[۲]، احمد بیات[۳*]

چکیده

یکی از شاخه‌های علوم انسانی که به تازگی مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته، انسان‌شناسی است. هدف این پژوهش مقایسه‌ی مفاهیم بنیادی سلامت روان از دیدگاه آدلر با صفات متقین در نهج‌البلاغه است که با روش گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و به‌صورت توصیفی- تحلیلی انجام شده است. صفات افراد باتقوا که در خطبه‌ی متقین به آن اشاره شده است، همانند امیدواری، میانه‌روی، بخشش و فروتنی با مفاهیم بنیادی سلامت روان از دیدگاه آدلر (علاقه‌ی اجتماعی، شیوه‌ی زندگی و غایت‌نگری) ارتباط دارد. تقوا از لحاظ مفهومی به مفاهیم روان‌شناختی مانند بازداری، تربیت و خودکنترلی، نزدیک است؛ این متغیرها و مفاهیم روان‌شناختی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در سلامت روان یک فرد بازی می‌کنند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین آن‌چه که در نهج‌البلاغه به‌عنوان صفات افراد باتقوا آمده است با مفهوم سلامت روان از دیدگاه آدلر، ارتباط وجود دارد و بسیاری از این صفات با مفاهیم مطرح شده در رویکرد آدلر قابل مقایسه هستند (مانند آگاهی در مورد رفتار و گفتار خود با خودآگاهی). این ارتباط به خاطر نوع برداشت فرد از خود، دیگران و جهان، نحوه‌ی تعامل او با آن‌ها و نیز ملاحظاتی است که فرد در رفتار خویش در نظر می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت که هر اندازه فرد از صفات افراد باتقوا برخوردار باشد به همان اندازه از سلامت روان بیشتری برخوردار خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: آدلر، تقوا، سلامت روان، نهج‌البلاغه

۱- استاد، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
۲- استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
۳- دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

* **مؤلف مسئول:**
احمد بیات
دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

Email:
bayata61@yahoo.com

دریافت: ۱۲ آبان ۱۳۹۷
اصلاحات: ۱۶ آذر ۱۳۹۸
پذیرش: ۲۰ آذر ۱۳۹۸

◀ **استناد:** یعقوبی، ابوالقاسم؛ عروتی موفق، اکبر؛ بیات، احمد. مقایسه مفاهیم بنیادین سلامت روان از دیدگاه آدلر با صفات متقین در نهج‌البلاغه. دین و سلامت، پاییز و زمستان ۱۳۹۸؛۷(۲): ۴۴-۳۳ (فارسی).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-12]

مقدمه

۱. بیان مسأله و پرسش اصلی تحقیق

در گذشته، دانشمندان به علوم گوناگون زمان خود آگاهی داشتند و مطالعاتی را در نجوم، ریاضیات، پزشکی، فلسفه و غیره انجام می‌دادند؛ اما امروزه دانش بشری طبقه‌بندی‌های گوناگونی دارد و به‌صورت جزئی‌تری پدیده‌ها را بررسی می‌کند و هر دانشمند تنها در یک رشته خاص به مطالعه و پژوهش می‌پردازد. هرچه این دانش جزئی‌تر می‌شود، به همان اندازه مطالعات بین رشته‌ای گسترش بیشتری می‌یابد. انسان‌شناسی به‌عنوان یکی از شاخه‌های علوم انسانی، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران از جمله روان‌شناسان می‌باشد (۱). از آنجایی که ویژگی‌های افراد متقی در رویکردهای بزرگان علمی، ادبی و مذهبی مطرح شده است و از سوی دیگر با توجه به اینکه تقوا می‌تواند (از طریق ارتباط با مفاهیمی مانند خودآگاهی، خودکنترلی، تربیت و تعاملات خانوادگی) با سلامت روان در ارتباط باشد، ضرورت انجام پژوهش در این زمینه احساس می‌گردد. پژوهش حاضر از این نظر که نوعی بررسی بین دیدگاه‌های روان‌شناختی و مذهبی (نهج‌البلاغه) در زمینه تقوا و سلامت روان بوده و ارتباط بین آن‌ها را مطرح می‌کند، نوآورانه محسوب می‌شود. با توجه به ادبیات و پیشینه پژوهشی، سابقه انجام چنین بررسی دوجانبه‌ای وجود ندارد. در مطالعه حاضر تلاش شده است منابع داخلی و خارجی مورد توجه قرار گیرند. پرسش اساسی مطرح‌شده در پژوهش حاضر این است که آیا آنچه در نهج‌البلاغه تحت عنوان صفات افراد متقی آمده است، می‌تواند با مفاهیم بنیادین سلامت روان از دیدگاه آدلر ارتباط داشته باشد یا خیر؟

ضرورت انجام پژوهش حاضر این است که امروزه انسان از نظر اخلاقی و رفتاری دچار چالش‌هایی شده است که سلامت روان وی را تهدید می‌کنند. از سوی دیگر، پرداختن به مسائلی همچون تقوا و ویژگی‌های افراد متقی اهمیت بسیاری یافته است؛ به همین دلیل، در پژوهش حاضر مقایسه‌ای میان صفات متقین در نهج‌البلاغه با مفاهیم بنیادین سلامت روان از دیدگاه آدلر انجام شده است.

برای بررسی ویژگی‌های افراد متقی ابتدا باید مفهوم تقوا تعریف شود؛ زیرا می‌توان به‌صورت فرضی آن را به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفت. در ادامه لازم است مصادیق بیرونی برای این مفهوم جستجو شود. حضرت علی(ع) که خود سردمدار متقین بود، بهتر از هر فرد دیگری شایستگی داشت که مفسر کلام خدا بوده و معنای تقوا را بیان کند (۲). ایشان در خطبه‌ای مشهور به خطبه "همام" در مورد صفات افراد متقی فرمودند: "*متقین در دنیا اهل فضیلت هستند. سخن آن‌ها صواب، جامه آن‌ها میانه‌روی و روش آن‌ها فروتنی می‌باشد. گوش را به عملی می‌سپارند که نافع آن‌ها است. افراد متقی در سختی و بلا چنان هستند که گویی در آسایش و راحتی فرود آمده‌اند. خالق چنان در دل آن‌ها بزرگ است که هرچه غیر از او در دیدگانشان کوچک می‌باشد*" (۳). در قرآن کریم تصریح شده است که ثمره تقوا، بهره‌مندی از فرقان و قدرت تشخیص حق از باطل می‌باشد: "*ان تتقوا الله یجعل لکم فرقاناً*". تقوا سبب می‌شود فطرت انسان به پاکی و زلالی نخستین خود بازگردد تا علاوه بر بهره‌مندی بیشتر از بینش و آگاهی، به آسانی بتواند بدون دخالت هوای نفسانی، حقایق را بپذیرد و به دانشی سودمند و اندیشه‌های درست دست یابد. اگر عقل بخواهد درک و شناختی صحیح داشته باشد، لازم است تقوا پیشه کند و از بند تمایلات نفسانی رهایی یابد (۴). متقین ایام کوتاهی را صبر نموده و در پی آن آرامش و راحتی کسب می‌نمایند؛ این مهم تجارتی سودآور است که پروردگارشان برای آن‌ها میسر می‌نماید. دنیا به متقین روی می‌آورد؛ اما ایشان به آن روی نمی‌آوردند (۵). در وصف متقین بیان شده است که تمام شب را در رکوع به سر می‌برند؛ پا، کف دست و صورت خود را بر زمین می‌گسترانند و از خداوند آزادی و رهایی خویش را (از آتش) می‌طلبند؛ اما در روز بردبارانی دانا و نیکوکارانی

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-12]

باپروا هستند؛ از کارهای اندک خود خرسند نبوده و کارهای بسیار را زیاد نمی‌بینند. یکی از نشانه‌های متقین آن است که در دین، قدرتمند و قوی بوده و نوعی دوراندیشی و عاقبت‌نگری همراه با نرمی و ایمانی همراه با یقین دارند. علاوه‌براین، حریص بر علم‌آموزی هستند و علم را با حلم و میانه‌روی را با غنا درمی‌آمیزند (۶).

در اساسنامه سازمان جهانی بهداشت، سلامت نه‌تنها نبود بیماری یا معلولیت بوده؛ بلکه به‌عنوان حالت بهینه خوب‌بودن از نظر جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی تعریف شده است. از نظر این سازمان، مفهوم سلامت روان چیزی فراتر از نبود اختلالات روانی نمی‌باشد و سلامت ذهن، ادراک خودکارآمدی، استقلال و خودمختاری، کفایت و شایستگی، وابستگی میان نسلی و خودشکوفایی توانمندی‌های بالقوه‌ی فکری و هیجانی را شامل می‌شود. به‌طور کلی، سلامت در چهار حوزه جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی مطرح شده است (۷). پژوهشگران معیارهای زیر را برای سلامت روان برشمرده‌اند: الف. شناخت خود و محیط: هنگامی شخص سالم است که خود، انگیزه‌ها، نیازها و تمایلات خویش را درک کند، محیط خود را بشناسد و برای سازگاری با آن بکوشد؛ ب. استقلال: فرد سالم براساس معیارهای درونی و مورد قبول خود تصمیم‌گیری می‌کند و تصمیمات وی تابع فشارهای بیرونی نمی‌باشد؛ ج. رفتار بهنجار: بهنجاری از جمله ملاک‌های دیگر سلامتی است. رفتار نابهنجار رفتاری می‌باشد که از معیارهای جامعه منحرف شود؛ د. یکپارچگی: یکی دیگر از ملاک‌های سلامت روان، یکپارچگی یا تمامیت شخصیت است که موجب هماهنگی بین اعمال مختلف با یکدیگر می‌شود (۸). نظریه‌های مختلفی در مورد سلامت روان مطرح شده است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

نظام زیستی‌نگر: نظام زیستی‌نگری که اساس روان‌پزشکی را تشکیل می‌دهد، سلامت روانی را زمانی محقق می‌داند که بافت‌ها و اندام‌های بدن به‌صورت سالم و بی‌نقص به وظایف خود عمل کنند. ایجاد هر نوع اختلال در دستگاه عصبی و فرایندهای شیمیایی بدن، اختلال روانی را به دنبال خواهد داشت. نظام روان‌تحلیل‌گری: این نظام بر این باور است که سلامت روان به معنای کنش متقابل و موزون بین سه پایگاه بنیادین شخصیت (نهاد، من و فرامن) بوده و سلامت روانی در صورتی حاصل می‌شود که من بتواند بین تعارضات من و فرامن تعادل ایجاد کند. نظام رفتاری‌نگر: این نظام در تعریف سلامت روانی بر سازگاری فرد با محیط تأکید می‌ورزد و بر این باور است که رفتار ناسازگار همچون سایر رفتارها در اثر تقویت، آموخته می‌شود؛ بنابراین، سلامت روانی شامل رفتارهای سازش‌یافته‌ای است که آموخته می‌شوند. نظام انسان‌نگر: این نظام معتقد است که سلامت روانی به معنای ارضای نیازهای اساسی و رسیدن به مرحله خودشکوفایی می‌باشد. هر عاملی که فرد را در سطح ارضای نیازهای سطوح پایین نگه دارد و مانع شکوفایی او شود منجر به اختلال رفتاری می‌گردد. نظام فردنگر: آدلر علاقه اجتماعی را ملاک سلامت روانی می‌داند. علاقه اجتماعی معیار سنجش بهنجاربودن کودک است؛ یعنی میزانی که یک فرد می‌تواند به‌طور موفق با دیگران ارتباط داشته باشد و با آن‌ها همکاری کند و یک رابطه رضایت‌بخش را با فردی از جنس مخالف خود به وجود آورد که نشان‌دهنده یکپارچگی شخصیت وی باشد (۹).

همان‌طور که بیان شد، سلامت روان در دیدگاه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما رویکرد مورد نظر در پژوهش حاضر، دیدگاه آدلر بود. وی ابتدا به دیدگاه‌ها و نظریات فروید (Freud) گرایش داشت؛ اما بعدها با عقاید وی در مورد نقش جنسیت در رشد شخصیت سالم در افراد روان‌نژند به مخالفت برخاست. آدلر بر این باور است که احساس حقارت و تلاش‌های جبرانی برای برتری‌جویی، مهم‌ترین نقش را در ایجاد بیماری‌های نوروتیک، ارضای مهرورزی و کارکردن بر عهده دارد. آدلر علاقه اجتماعی را احساس یگانگی و

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-12]

برادری یک فرد با فرد دیگر در نظر می‌گیرد. افرادی که احساس اجتماعی را در خود پرورش می‌دهند، رقابت غیرمنطقی با دیگران نداشته و حتی کوششی برای برتری‌جویی نسبت به دیگران نمی‌کنند. این افراد دیگران را موجودات باارزشی می‌بینند که در نهایت متوجه و وابسته به خود او هستند؛ نه عواملی تهدیدکننده یا صرفاً وسیله‌ای برای رشد شخصی (۹).

۲. پیشینه پژوهش

در میان مطالعات انجام‌شده، پژوهشی که به‌طور همزمان ویژگی‌های افراد متقی در نهج‌البلاغه و مفاهیم بنیادین سلامت روان از دیدگاه آدلر را مقایسه نموده باشد، یافت نشد. مطالعات پیشین در حوزه صفات افراد متقی، بیشترین تأکید را بر خودداری و پرهیزکاری داشته‌اند و توجه کمتری به صفات ایجابی (همچون میانه‌روی، امیدواری و بخشندگی) در تقوا نموده‌اند. همان‌طور که بیان شد، مقصود از تقوا، صرفاً بازداری و خودداری نبوده و در کمتر پژوهشی به بررسی ویژگی‌های مثبت و غیرسلبی در حیطه تقوا پرداخته شده است. یکی از این ویژگی‌ها، سلامت یا بهداشت روانی می‌باشد. شرایط و عوامل بسیاری برای محقق‌شدن بهداشت روانی لازم است؛ از جمله این موارد، شخصیت یکپارچه و سالم می‌باشد. در این راستا، سعید در یک بررسی مروری در مورد نظریه روان‌شناسی فردی آدلر دریافت که بهداشت روانی در سه مورد خلاصه می‌شود: همسازی با دیگران، همسازی در زناشویی و کانون خانواده و همسازی با کار و حرفه (۱۰). آقایوسفی و همکاران نیز با بررسی اثربخشی آموزش خوددلگرم‌سازی مبتنی بر نظریه آدلر بر راهبردهای تنظیم شناختی هیجان به این نتیجه رسیدند که ارائه این مدل از آموزش، تفاوت معناداری را بین دو گروه کنترل و آزمایش ایجاد کرده است؛ بنابراین دیدگاه آدلر و استفاده از روش‌های آن می‌تواند به بهبود سلامت روان افراد کمک کند (۱۱). از سوی دیگر، علیزاده و همکاران با بررسی تأثیر آموزش دلگرمی مبتنی بر رویکرد آدلر بر خودکارآمدی و عزت نفس دختران نوجوان به این نتیجه رسیدند که پس از آموزش، میزان خودکارآمدی و عزت نفس گروه آزمایش، افزایش معناداری یافته است (۱۲). حسن‌زاده و همکاران نیز در پژوهش خود تحت عنوان "عقده برتری یا حقارت؟ واکاوی اشعار خاقانی براساس روان‌شناسی فردنگر" دریافتند که هرچند برخی از نشانه‌های عقده حقارت در اشعار خاقانی وجود دارد؛ اما شواهد به اندازه‌ای نیستند که بتوان در مورد آن با قطعیت سخن گفت. همچنین با توجه به ضعف علاقه اجتماعی در برخی از اشعار خاقانی، علاقه فردی مبالغه‌آمیز و میل به برتری‌جویی شخصی وی می‌توان نتیجه گرفت که این شاعر برجسته تا حدی درگیر عقده برتری بوده است (۱۳).

معنویت و مذهبی‌بودن نقش مهمی در سلامت روان افراد دارد. آدلر در کنار عقده حقارت به عقده برتری اشاره نموده و معتقد است این عقده زمانی شکل می‌گیرد که فرد برای غلبه بر احساس ضعیف‌بودن به جبران بیش از حد روی می‌آورد (۱۴). در این راستا، Koenig و همکاران بر این باور هستند که روان‌درمانی‌های مذهبی در باورهای مذهبی، توسعه و تحول یافته و در آزمایشات بالینی مورد استفاده قرار گرفته‌اند تا از این طریق مشخص شود که آیا یکپارچه‌کردن منابع مذهبی بیمار در فرایند درمان، به مراتب مؤثرتر از درمان‌های معمول در تسکین علائم افسردگی و اضطراب است یا خیر (۱۵). همچنین Sharma و همکاران بیان نموده‌اند که بین مذهب و معنویت افراد با میزان سلامت روانی آن‌ها، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد (۱۶). امانی سهرابی و همکاران نیز در پژوهش خود تحت عنوان "اثربخشی مشاوره گروهی آدلر بر بی‌آلایشی و بخشایش‌گری میان فردی زوجین" به این نتیجه رسیدند که این مدل از مشاوره بر افزایش بی‌آلایشی زوجین و تمامی مؤلفه‌های بخشایش‌گری میان فردی (اعم از ارتباط مجدد و مهار کینه‌جویی، رنجش و درک واقع‌بینانه) آن‌ها اثربخش

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-12]

بوده است (۱۷).

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت پژوهش حاضر در آن است که امروزه انسان از لحاظ رشد در جنبه‌های گوناگون دچار چالش و عدم توازن شده است. به این صورت که در زمینه‌ی علوم تجربی و فناوری پیشرفت‌های بسیاری به‌دست آمده است؛ اما در حوزه‌ی اخلاق و علوم انسانی رکود دیده می‌شود. به همین جهت انسان امروزی از نظر اخلاقی و رفتاری با چالش‌هایی مواجه شده که سلامت روان او را تهدید می‌کند. در این راستا پرداختن به مسائل و موضوعات انسانی و اخلاقی همچون تقوا و ویژگی‌های افراد باتقوا اهمیت بسیاری یافته است؛ به همین دلیل در این پژوهش، صفات متقین در نهج‌البلاغه با مفاهیم بنیادی سلامت روان از دیدگاه آدلر مقایسه شده‌اند.

۴. مواد وروش ها

با توجه به عنوان، هدف‌ها و فرضیه‌های این پژوهش، روش گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و روش پژوهش نیز توصیفی از نوع تحلیلی است. همچنین از لحاظ نظری می‌توان این پژوهش را در بین مطالعات بنیادی قرار داد.

پرسش‌های مورد نظر در این پژوهش، عبارتند از: ۱- آیا آن‌چه که در نهج‌البلاغه تحت عنوان صفات افراد باتقوا آمده است، می‌تواند با مفهوم سلامت روان از دیدگاه آدلر ارتباط داشته باشد؟ اگر چنین است، چگونه و با چه کیفیتی؟ و این‌که چرا افراد باتقوا ممکن است از سلامت روان مطلوب‌تری نسبت به سایرین برخوردار باشند؟ بنابراین با پرسش‌هایی مواجه هستیم که در یک رشته‌ی علمی نمی‌گنجد و نیاز به بررسی و مطالعه‌ی بین‌رشته‌ای دارد. با توجه به پرسش‌های مطرح شده، فرضیه‌های مورد نظر این پژوهش عبارتند از: ۱) مفهوم تقوا با سلامت روان ارتباط دارد؛ ۲) این ارتباط مستقیم و دوسویه است؛ ۳) افراد باتقوا در مقایسه با دیگران از سلامت روان بالاتری برخوردار هستند. برای بررسی این فرضیه‌ها ابتدا مفاهیم اساسی پژوهش تعریف و تبیین شده، سپس پیشینه‌ی پژوهش بررسی شد و در نهایت پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش مورد بحث و بررسی و نتیجه‌گیری قرار گرفت. بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر مقایسه‌ی مفاهیم بنیادی سلامت روان از دیدگاه آدلر با صفات متقین در نهج‌البلاغه بود.

یافته ها و بحث

۱. مفهوم‌شناسی تقوا

تقوا در متون مختلف به معانی گوناگونی به کار برده شده است که نزدیک‌ترین معنای آن، "زاهد" و "پاک‌دامن" می‌باشد. "عارف" و "دانشمند" از دیگر معانی و مترادف‌هایی هستند که فرهنگ معین به آن‌ها اشاره کرده است (۱۸). با توجه به اینکه گفته می‌شود تقوا موجب می‌گردد انسان در اصول معینی که برای خود برگزیده است، محدود شود و از آن‌ها تجاوز نکند (به‌ویژه با تعبیرات دین همچون حصن و حصاردانستن آن)، شاید برخی بپندارند که تقوا دشمن آزادی بوده و زنجیر و محدودیتی برای انسان است؛ اما باید گفت که چنین نیست. تقوا برای روان مانند خانه برای زندگی و لباس برای تن است؛ خانه و لباس را برای انسان محدودکننده آزادی نمی‌دانیم؛ بلکه آن را مصون‌کننده از بلاها، سرما، گرما و مانند آن برمی‌شماریم (۱۹). واژه متقی در متون مختلف، اغلب برای افراد پرهیزکار و باتقوا مورد استفاده قرار گرفته است. با این وجود به نظر می‌رسد که این مفهوم فراتر از صرف پرهیزکاری باشد. برخورداری از ویژگی تقوا، تداعی‌کننده مفهوم خرد و درک عمیق نسبت به پدیده‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر، فرد متقی با داشتن بینش و آگاهی نسبت به مسائل موضع می‌گیرد، پاسخ می‌دهد و رفتار می‌کند.

۲. ویژگی‌های افراد متقی

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-12]

یکی از خطبه‌های مشهور امیرالمؤمنین علی (ع) که بنا به درخواست یکی از شیعیان به نام همام ایراد شده خطبه متقین می‌باشد که به خطبه همام مشهور است. در این خطبه رفتارهای فردی، اجتماعی و عبادی متقین به تصویر کشیده شده است. امام علی(ع) در این خطبه رفتار متقین در اجتماع، رفتار فردی آن‌ها، نحوه عبادت و نگاه آن‌ها به خود را ترسیم نموده است. اوصاف متقین در جامعه عبارت هستند از: نیک‌گفتاری، میانه‌روی، فروتنی، چشم‌پوشی از محرمات، گوش‌دادن به علم سودمند، حریص‌بودن در طلب دانش، شکیبایی در سختی، بخشیدن کسی که به آن‌ها ستم کرده است، دوری از سخن زشت، تباه‌نکردن آنچه به آن‌ها سپرده‌اند، فروبردن خشم، در امان بودن مردم از بدی آن‌ها و امیدواری به آن‌ها در کارهای نیک. اوصاف فردی متقین نیز عبارت هستند از: خودداری و توجه به خویشتن، ترس از ستوده‌شدن توسط دیگران، ایمان با یقین، بردباری و امید به امور اخروی و ناخواهانی دنیا. علاوه‌براین، اوصاف مربوط به رابطه متقین با خالق عبارت هستند از: نمازهای شبانه با تلاوت قرآن، دواجویی در قرآن، اثرگذاری آیات قرآن بر جان آن‌ها، خشوع در عبادت و یاد خدا و سپاس از او در طول شبانه‌روز (۲۰).

۳. تعریف سلامت روان

از قرن هفتم تا شانزدهم، سلامت روان‌شناختی به‌صورت پرهیزکاری تعریف می‌شد. پس از قرن شانزدهم، سلامت روان‌شناختی به‌صورت طبیعت‌گرایانه تعریف گردید. همزمان با رنسانس روان‌پزشکی در اواخر قرن نوزدهم، سلامت روان‌شناختی در معنای فقدان بیماری روانی به کار رفت (۸). سازمان جهانی بهداشت، سلامت را به‌صورت بهزیستی کامل جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی تعریف می‌کند؛ نه صرفاً فقدان بیماری (۷)؛ بنابراین سلامت در دیدگاهی کل‌نگر مورد توجه قرار می‌گیرد. از نظر روان‌شناختی، منشأ اختلالات روانی انسان، محرومیت‌های او است؛ بدین‌معنا که علت اصلی بسیاری از عقده‌ها و بیماری‌های روانی انسان، احساس محرومیت می‌باشد. چنان‌که زیگموند فروید با افراط بر این نکته تأکید نموده است (۲۱).

معمولاً سلامت روان‌شناختی را می‌توان از سه دیدگاه و معنای کلی تعریف کرد: نخست به معنای خودآگاهی که این تعریف توسط Freud، McDougal، Kelly و بسیاری از هستی‌گرایان و نظریه‌پردازان نقش مانند Lorenz پذیرفته شده است. تعریف دوم شامل: خودشکوفایی و تحقق خود می‌شود؛ بدین‌معنا که بالفعل‌ساختن توانایی‌های روان‌شناختی ذاتی و درونی با استفاده از نوعی دگرگونی روانی میسر می‌شود. Jung، Allport و انسان‌گرایانی چون Maslow این دیدگاه را پذیرفته‌اند. سومین تعریف مربوط به محدوده‌ای است که فرد توانسته است با «شبکه‌ی روابط اجتماعی پایدار» ارتباط برقرار کند و با آن یکپارچه شود؛ آدلر و بسیاری از جامعه‌شناسان این تعریف را پذیرفته‌اند. از نظر وی، سلامت روان به معنای داشتن اهداف مشخص در زندگی، داشتن فلسفه استوار و محکم برای زیستن، روابط خانوادگی و اجتماعی مطلوب و پایدار، مفیدبودن برای همنوعان، برخورداری از جرأت، شهامت و قاطعیت، کنترل بر احساسات، داشتن هدف نهایی کمال و تحقق خویشتن، پذیرفتن مشکلات و کوشش در حد توان برای جبران اشتباهات (۲۲). به نظر می‌رسد که این مفاهیم مطرح‌شده در رویکرد آدلر، با آنچه به‌عنوان صفات افراد متقی در نهج‌البلاغه آمده است، شباهت بیشتری دارد تا مفاهیمی که در دو رویکرد دیگر بیان شده‌اند.

۴. سلامت روان از دیدگاه آدلر

دیدگاه کلی آدلر به انسان و امور، کل‌نگر، پدیده‌شناختی، غایت‌نگر و اجتماعی است. وی انسان را موجودی خلاق، انتخاب‌گر، اجتماعی، مسئول و درحال شدن می‌داند که نه خوب است و نه بد. ماهیت انسان در جامعه شکل می‌گیرد و تکامل او در واقعیت‌بخشیدن

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-12]

به خویشتن می‌باشد. شناخت خود توسط خود فرد زمانی بیشتر می‌شود که ابتدا بتواند سرچشمه فعالیت خود و پویایی‌های روان خویش را تعیین نماید. انسان موجودی آزاد است که در گزینش و انتخاب سبک زندگی خود مختار می‌باشد. انسان خلاق و انتخاب‌گر ممکن است خوب یا بد و یا هر دو را انتخاب نماید که این گزینش به شیوه زندگی او، ارزیابی وی از موقعیت موجود و بازده آن بستگی دارد. انسان در مقام موجودی انتخاب‌گر می‌تواند هم محیط درونی و هم محیط بیرونی خود را شکل دهد؛ اگرچه به‌طور کامل بر سرنوشت خود مسلط نبوده و نمی‌تواند به‌طور کامل رویدادها را کنترل نماید؛ تنها می‌تواند با توجه به وضعیت موجود، موقعیتی را انتخاب کند که با شرایط وی سازگارتر است. آدلر انسان را مرکز خلاقیت زندگی و جهان و به‌وجودآورنده خود می‌داند. به اعتقاد وی اگر انسان نتواند به روش مناسب و صحیحی نیازهای خود را ارضا کند و به هدف احساس تعلق به همنوعان خود دست نیابد، به حالات غیرعادی توسل خواهد جست (۲۳). وی بر این باور است که روان انسان از یک ماده ارثی سرچشمه می‌گیرد که عملکرد فیزیکی و روانی دارد، تکامل آن تحت تأثیر عوامل اجتماعی بوده و دارای رابطه ذاتی با حرکت آزاد می‌باشد. انسان هم تحت تأثیر امیال شخصی و هم متأثر از قواعد اجتماعی است. شیوه زندگی فرد از یک اصل و منشأ رشد روانی برمی‌خیزد که کم و بیش برای هر فرد، آگاهانه بوده و در جهت تأمین علاقه اجتماعی و میل به برتری می‌باشد (۹).

با توجه به مفهوم‌شناسی تقوا و ویژگی‌های متقین در نهج‌البلاغه و نیز تعریف سلامت روان از دیدگاه آدلر، می‌توان مفاهیم بنیادی مطرح شده در دیدگاه آدلر و نهج‌البلاغه در حوزه‌ی سلامت روان را با هم مقایسه نمود. جدول ۱ این مفاهیم را به‌طور مقایسه‌ای نشان می‌دهد.

در جدول ۱، ویژگی‌های مطرح‌شده در نهج‌البلاغه برای افراد متقی با ویژگی‌های افراد دارای سلامت روان از دیدگاه آدلر مقایسه شده است. هرچند برخی از ویژگی‌های مطرح‌شده در دیدگاه وی (همانند خودمختار و انتخاب‌گر) را نمی‌توان با هیچ‌یک از ویژگی‌های افراد متقی که در نهج‌البلاغه مطرح شده است، مقایسه نمود؛ اما سایر ویژگی‌های مطرح‌شده در دو بخش جدول با یکدیگر قابل‌مقایسه می‌باشند.

جدول ۱: ویژگی‌های مورد مقایسه بین دیدگاه آدلر و نهج‌البلاغه در حوزه سلامت روان

دیدگاه آدلر	**نهج‌البلاغه**
غایت‌نگری و هدف‌مندی	توجه به معنویات، شکرگزاری و امیدواری
سبک زندگی و خلاقیت	میانه‌روی، قاطعیت، آراستگی، نشاط، فروتنی، شکیبایی و فروبردن خشم، بخشش و
خودآگاهی	آگاهی در مورد رفتار و گفتار خود
خودمختار و انتخاب‌گر	-
علاقه اجتماعی و همکاری	امیدواری مردم به او، امانت‌داری و نیک‌گفتار بودن
برتری‌جویی و کمال‌خواهی	حریص در کسب دانش و پایدار در برابر مشکلات
نوع‌دوستی و احساس مسئولیت	کمک به مردم، مزاحم دیگران نبودن، برخورد دوستانه با همسایه و مهربانی

نتیجه گیری

یافته ها نشان داد که توجه به سبک زندگی و علاقه اجتماعی که در دیدگاه آدلر مطرح شده و قابل‌مقایسه با مفاهیم فروتنی، میانه‌روی، امانت‌داری و خوشرفتاری با همسایه هست، می‌تواند راه‌گشای مسائل فردی و اجتماعی مانند بزهکاری و خشونت باشد تا بتوان از این طریق میزان سلامت (روان) را هم در سطح فردی و هم در سطح جامعه ارتقا بخشد؛ زیرا تفکر، هیجان و رفتار

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-12]

افراد و نیز روابط میان آن‌ها تحت تأثیر میزان تقوا و پرهیزکاری انها قرار دارد که این مهم در روان‌شناسی تحت عنوان «بازداری» شناخته می‌شود. از سوی دیگر، علاقه اجتماعی و میزان مشارکت فرد در شبکه‌های ارتباطی جامعه نیز رابطه مستقیم با میزان تقوا و پرهیزکاری افراد دارد.

یکی از ویژگی‌های اصلی در افراد دارای سلامت روان، یکپارچگی شخصیت است. در روایات نقل‌شده از حضرت علی(ع) نیز، تقوا به‌عنوان قلعه‌ای مستحکم و نفوذناپذیر مورد توجه قرار گرفته است. از دیگر مواردی که در حیطه سلامت روان به آن اشاره شده، داشتن استقلال فردی است. حضرت علی(ع) در خطبه ۱۸۹ نهج‌البلاغه می‌فرماید: "*تقوا را حفظ کنید و خودتان را به وسیله آن حفظ نمایید*". این جمله به روشنی نقش اراده، استقلال و خواست انسان را در تعیین سرنوشت خود مشخص می‌سازد. در خصوص رابطه بین سلامت جسمی و روانی با خویشتنداری و تقوا حضرت علی(ع) فرمود: "*تقوا دوای بیماری دل‌های شما، شفای مرض بدن‌های شما، دوای خرابی قلب و باطن شما و مایه پاکی نفوس شما است*".

اثر دیگر تقوا در حوزه عواطف و احساسات است. انسان متقی که خود را از پلیدی‌ها و کارهای زشت دور نگه می‌دارد، احساسات لطیف و مطلوب‌تری دارد تا یک فرد غرق در شهوات و مادیات. برخورداری از صفت تقوا، انسان را از گرفتاری‌ها نجات می‌دهد و در کار او سهولت و آسانی ایجاد می‌کند؛ زیرا این تنگناها بر دو نوع است: در برخی از موارد، اختیار و اراده انسان هیچ دخالتی در آن سختی ندارد (مانند زلزله و طوفان)؛ اما در برخی از موارد دیگر، اراده انسان در مواجه‌شدن با سختی‌ها نقش دارد (مانند گرفتاری‌های اجتماعی و اخلاقی). از آنجا که تقوا آگاهی افراد را افزایش می‌دهد، موجب نجات آن‌ها از گرفتاری می‌گردد.

تقوا و خویشتنداری باعث می‌شود که انسان نیروهای ذاتی و درونی خود را در راه‌های بیهوده و حرام هدر ندهد. بدیهی است که انسان نیرومند، بااراده و دارای شخصیت متقی، بهتر تصمیم می‌گیرد و در زندگی موفق‌تر خواهد بود. تمامی مواردی که بیان گردید، به نوعی در ذیل تعریف و برداشت آدلر از مفهوم سبک زندگی قرار می‌گیرند؛ یعنی الگویی منحصر به فرد از ویژگی‌ها، رفتارها و عادت‌هایی که ما آن‌ها را در طول زندگی پرورش می‌دهیم و نیز رسیدن به کمال از راه برتری‌جویی و میل به پیشرفت، ذیل سبک زندگی ویژه ما شکل می‌گیرد. سبک زندگی تعیین می‌کند که به کدام‌یک از جنبه‌های محیط زندگی توجه کنیم یا آن‌ها را نادیده بگیریم و چه نگرش‌هایی داشته باشیم.

با توجه به جدول مقایسه مؤلفه‌های مفهوم تقوا در نهج‌البلاغه و مؤلفه‌های مفهوم سلامت روان از دیدگاه آدلر می‌توان گفت که بین برخورداری از تقوا و میزان سلامت روان، همخوانی و ارتباط وجود دارد و برخی از مؤلفه‌های بیان‌شده در هریک از این منابع، قابل‌مقایسه با مؤلفه‌هایی از منبع دیگر می‌باشند. این مهم نشان می‌دهد که ارتباط بین تقوا و سلامت روان در سطح مؤلفه‌های آن‌ها نیز قابل‌بررسی است.

همچنین عبادت و انجام اعمال دینی، سپری ایمن را در مقابل انواع بیماری‌ها (روحی-روانی) ایجاد می‌کند. مطالعات نشان داده که دینداران، عمر طولانی‌تری دارند، سیستم دفاعی بدن آن‌ها قوی‌تر است، کمتر از افراد غیرمذهبی در بیمارستان بستری می‌شوند و در انجام فعالیت‌های فیزیکی پایدارتر می‌باشند (۱۵،۲۴).

در خصوص تبیین چگونگی ارتباط بین صفات افراد متقی و سلامت روان آن‌ها با عنایت به پژوهش های انجام شده (۱۶،۱۲،۱۰) می‌توان گفت که این رابطه، رابطه‌ای مستقیم و مثبت است. فردی می‌تواند سلامت روان مطلوبی داشته باشد که دارای ویژگی‌هایی همچون امیدواری، میانه‌روی، شکیبایی، پایداری در برابر مشکلات و ارتباط مثبت با دیگران باشد که این ویژگی‌ها در نهج‌البلاغه مورد توجه جدی قرار گرفته و با ویژگی‌های مطرح‌شده در دیدگاه آدلر درباره انسان و

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-12]

سلامت روان (مانند هدف‌مندی، سبک زندگی، علاقه اجتماعی، کمال‌خواهی و نوع‌دوستی) قابل‌مقایسه می‌باشند (جدول ۱).

بر اساس بررسیهای انجام شده، مبنای وجود ارتباط بین سلامت روان و تقوا را می‌توان در نحوه برداشت و تفسیر افراد از خود، جهان و دیگران و نیز شیوه زندگی که فرد برای خود انتخاب می‌کند، جستجو کرد. افراد دارای صفاتی همچون فروتنی، میانه‌روی، بخشش و مهربانی، کمتر دچار مشکل در روابط بین فردی می‌گردند و احساس رضایت بیشتری از زندگی دارند؛ در مقابل، فرد متکبر، خود رای، بداخلاق، بدزبان و ناتوان در کنترل خشم، در ارتباط با دیگران دچار مشکل می‌شود، احساس ناامیدی و افسردگی می‌کند و اضطراب را تجربه می‌نماید. مطابق با دیدگاه آدلر، در کنار عقده و احساس حقارت، افکار، احساسات، رفتارها و شبکه ارتباطی انسان است که سلامت یا بیماری وی را رقم میزند. فرد متقی هنگام دشواری‌ها همواره به قدرت لایزال الهی پناه می‌برد، از وی کمک می‌جوید و به او توکل می‌کند، به معصومین متوسل می‌گردد؛ در نتیجه کمتر گرفتار خطاهای شناختی، هیجانات و احساسات منفی می‌شود.

سبک زندگی فرد باتقوا، وی را به سوی سلامت (روحی و روانی) پیش برده و سبک زندگی یک فرد غیرمتقی، وی را به سمت بیماری می‌برد. این یافته با نتایج مطالعات پیشین (۲۹،۳۰) همسو است.

پیشنهادات

همان‌طور که یافته‌های این پژوهش نشان دادند، متقی‌بودن به بهبود سلامت روان افراد کمک می‌کند؛ بنابراین می‌توان تقوا را مفهومی دانست که ارتباط نزدیکی با مفاهیم روان‌شناختی مانند خودکنترلی و اعتماد اجتماعی (۲۹)، تربیت و روابط خانوادگی (۳۰،۳۱)، ارزش‌گذاری (۳۲)، ارتباط کلامی و تعاملات اجتماعی (۳۳،۳۴)، خودکنترلی کودک (۳۵) و سبک زندگی (۳۶) دارد؛ این متغیرها و مفاهیم روان‌شناختی از هنگام تولد تا مرگ، نقش تعیین‌کننده‌ای را در سلامت روان یک فرد بازی می‌کنند؛ از این رو پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران علاقه‌مند به این حوزه، ارتباط این مفاهیم و متغیرها را با مفهوم تقوا و میزان سلامت روان در جوامع آماری گوناگون (مانند دانش‌آموزان، دانشجویان، زنان و کارمندان) در قالب یک مطالعه آماری و اصیل بررسی نمایند و آن را با نظریات آدلر مقایسه نمایند.

حمایت مالی

پژوهش حاضر بدون هیچ‌گونه حمایت مالی و با هزینه شخصی پژوهشگران انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی

اصل رعایت امانت‌داری منابع در این پژوهش به‌طور کامل رعایت گردید. با توجه به روش انجام این پژوهش (توصیفی و تحلیلی) و نبود آزمودنی در آن، ملاحظات اخلاقی مانند کمترین آسیب احتمالی و رضایت آگاهانه مصداق ندارد.

تضاد منافع

هیچ‌گونه تضاد منافعی در این پژوهش وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از همکاری صمیمانه اعضای محترم هیأت علمی گروه روان‌شناسی و گروه معارف اسلامی دانشگاه بوعلی سینا تشکر و قدردانی می‌گردد.

References

1. Eriksen TH, Nielsen FS. A history of anthropology. London: Pluto Press; 2014.
2. Abdeh SM. Description on Nahj al-Balaghah. Beirut: Maaref Printing & Publishing; 2011.
3. Shahidi J. Nahj-Ol-Balagheh. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 2013

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-12]

(Persian).
4. Holy Quran. Trans: Makarem Shirazi N. Tehran: Dar Al-Quran Publication; 2017.
5. Master R. Handbook of Nahj-Ol-Balagheh. Tehran: The Institute of Nahj-Ol-Balagheh; 2011 (Persian).
6. Soroush A. The virtues of righteousness. Qom: Sirat; 2014 (Persian).
7. World Health Organization. Policies and practices for mental health in Europe, meeting the challenges. Geneva, Switzerland: (2008).
8. Shamlou S. Mental health. Tehran: Roshd Press; 2013 (Persian).
9. Siasi A. Theories of personality or psychology schools. Tehran: Tehran University Press; 2011 (Persian).
10. Saeed L. Adler, life, the transformation of his thoughts and thinks. Tehran: Mental Health; 2014. P. 48-53 (Persian).
11. Aghayousefi A, Mehmannavazan A, Dehestani M. The effectiveness of training the Shoenaker's self-encouragement based on the Adler's theory on cognitive emotion regulation strategies among the female-headed households. Journal of Psychology and Psychiatry. 2015; 2(3):1-15 (Persian).
12. Alizadeh H, Naseerifard N, Karami A. Adlerian-based encouragement training, self-efficacy and self-esteem of female adolescents studying the effectiveness. Quarterly Journal of Women's Studies Sociological and Psychological. 2010; 8(4):143-68 (Persian).
13. Hassanzadeh MH, Jamshidi R, Heidari R. Superiority or inferiority complex: analysis of Khaghani's poetry based on the principles of individual psychology. Literary Text Research. 2016; 20(67):85-106 (Persian).
14. Koenig HG, Al Zaben F, Khalifa DA. Religion, spirituality and mental health in the west and the Middle East. Asian Journal of Psychiatry. 2012; 5(2):180-2.
15. Salarkaya M. Adler's theory in the story of Fereydoun and his children. The Growth of Persian Language and Literature. 2012; 104:22-5 (Persian).
16. Sharma V, Marin DB, Koenig HK, Feder A, Iacoviello BM, Southwick SM, et al. Religion, spirituality, and mental health of U.S. military veterans: results from the national health and resilience in veterans study. Journal of Affective Disorders. 2017; 217(1):197-204.
17. Amani A, Sohrabi A, Bagheri L, Nasisi Hains G. The effectiveness of Adlerian group counseling on couples' intimacy and interpersonal forgiveness. Family Counseling & Psychotherapy. 2017; 7(1): 45-64 (Persian).
18. Moein M. Moein dictionary. Tehran: Farhang Moaser; 2013 (Persian).
19. Motahari M. Perfect human. Tehran: Sadra; 2006 (Persian).
20. Mohammadi K, Dashti M. Al-mojam Al-mofhers Lealfaze Al-Nahj-Ol-Balaghe. Qom: Imam Ali (AS); 2010 (Persian).
21. Motahhari M. One hundred words. Tehran: Imam Sadiq University Press; 2014 (Persian).
22. Kharvahimi S. The concept of psychological health. Tehran: Javdan; 2005 (Persian).
23. Corsini RJ. Dictionary of psychology. New York: Rutledge; 2015.
24. Kurdish H, Sedaghat M, Shakir A. Islamic ethics. Qom: Imam Sadiq Institute; 2016 (Persian).
25. Majlesi A. Bahar-Al-Anvar. Qom: Islamiyah Institute of Philosophy; 2000 (Persian).
26. Rosmarin DH, Alper DA, Pargament KI. Religion, spirituality, and mental health. New York: Elsevier; 2016. P. 23-7.
27. Mendes JC, Prata J. Mental health and spirituality/religion. European Psychiatry. 2012; 27(1):1-434.
28. Tay JL, Tay YF, Klainin-Yobas P. Mental health literacy levels. Archives of Psychiatric Nursing. 2018; 32(5):757-63.
29. Khalili K. Interactional model relationship between piety and social trust with explaining the mediating role of self- control and mental health among the student of Ilam University. Ilam Culture. 2018; 19(58-59):112-32 (Persian).
30. Mousavi S, Khodamiyan Daneshpajuh AA, Bakouei M. Piety functions in the family from the Quran perspective. Mishkat. 2018; 37(139):68-91 (Persian).
31. Azerbaijani A, Faqihi A. Necessity of piety and faith for the philosophical education of children (with an emphasis on the Quran and the words of the Imams and Infallibles). Philosophy and Children. 2016; 3(4):23-36 (Persian).
32. Ram S, Mehrmohammadi M, Sadeghzadeh A, Talaei E. The Qur'anic voncept of Taqva (Virtue and Abstinence) and its pedagogical implication of the nurture of virtue. Foundations of Education. 2017; 7(1):103-25 (Persian).
33. Hosseini Z. Explain the relationship between piety and the verbal communication of speech from the point of view of the Holy Qur'an. Ethics Research. 2016; 9(33):137-56 (Persian).
34. Izadi M, Ashoori Roudposhti R. The role of piety in social interactions. Islamic Insight & Intelligence. 2013; 10(25):81-107 (Persian).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-12]

35. Qadiri MH. Child self-control; moral self-control (virtue). Bi-Quarterly Research Scientific Journal in Educational Jurisprudence Studies. 2017; 5(11):87-116 (Persian).
36. Nasr AR, Nazari H, Ghasempour A, Mousavi S. Study and explaining the educational nature of piety in the life style. Cultural Engineering. 2014; 9(81):98-124 (Persian).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-12]